



اهمیت قضا در

اسلام

(۳)

قسمت سی ام

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

می تواند کاربرد آن چقدر است و قدرت مانور دارد یا نه؟ و اگر قدرت مانور و انعطاف نداشته باشد راه حل آن چیست؟

والذا حضرت امام (س) در پیامشان روی این موضوع تأکید دارند و مسئولان دستگاه قضائی را موظف می دانند با جذب نیروهای کاردان و صالح و قوی و متعهد این قوه را مجهز سازند و توان این دستگاه مهم و عظیم نظام الهی را با این نیروهای کیفی بالا ببرند و تحولی چشم گیر و روشن در دادگستری بوجود آورند و با این فرض ممکن است قوانین اسلامی و مجازاتهای افراد خاطی و متعددی در صورت اجراء مؤثر واقع شده و جلو تخلفات و بی بند و بارها گرفته شود و آلا هر چند قوانین دقیق باشد و دارای صراحت و قاطعیت بیشتری هم باشد آن اثر لازم و مطلوب را نخواهد داشت و جامعه از برکات نظام اسلامی و اخلاقی بهره مند نخواهند شد برای تأمین این منظور علاوه بر اینکه مسئولان بالای دستگاه قضائی باید بکوشند و افراد صالح را روی کار آورند و از طریق آنان دستگاه قضائی را متحول سازند مردم هم باید نظارت و کنترل جدی و همگانی را اعمال نمایند.

اطلاقات ادله امر به معروف و نهی از منکر هم مسئولان و کارگزاران نظام را شامل می شود و هم دیگران را در بر می گیرد. قطعاً اگر مردم به صورت عام و همگانی در مقابل جریانات سوء از خود حساسیت نشان دهند و موارد انحرافات را بشناسند و با عوامل آن برخورد نمایند در جامعه اسلامی تمام کجها و انحرافها مستقیم و اصلاح می گردد و بعضی از کوتاه نظران که فکر کرده اند امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی از وظایف مسئولان و ارگانهای ذی ربط بوده و بر دیگران هیچ گونه وظیفه ای در این زمینه متوجه نمی باشد سخت در خطا و اشتباه هستند. امر به معروف و نهی از منکر در بعضی از مراحل همگانی و عامل و شامل بوده و بر عموم فرض و واجب است اگر چه در بعضی از مراحل که نیاز به اقدامات عملی و

در اصل یکصد و شصت و هشتم چنین می خوانیم:

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می کند. و با کمال خوشوقتی در قانون عادی از طریق مجلس شورای اسلامی این مهم انجام یافته و قانون و ضوابط خاص مورد نیاز دادگاههای رسیدگی بجرائم سیاسی و مطبوعاتی و شرایط هیأت منصفه و نحوه انتخاب آنان تهیه و به تصویب رسیده است و طبق قانون شرح وظایف و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضوابط و مقررات مربوط به هیأت منصفه از طریق همان وزارتخانه باید اعمال گردد.

در اینجا لازم است ذهن علاقمندان به این نوع مسایل و موضوعات را به این نکته جلب نمائیم و آن این است که با توجه به مفاد این اصول و پیامهای صریح و روشنی که از آنها دریافت می گردد به این نتیجه می رسیم در قانون اساسی، نظام قضائی اسلام طوری طراحی و پیش بینی شده است که تمام جوانب با دقت کم نظیر دیده شده و از جهت تئوری راه حلهای لازم برای تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد امنیت عمومی و آزادی های افراد و حفظ حرمت انسانها نشان داده شده است انصافاً از این جهت کاملاً قابل دفاع بوده و می توان قوی ترین و منطقی ترین تحلیل ها را درباره نقش و حساسیت آنها ارائه داد. مسئله اصلی طراحی و تئوری قضیه نمی باشد بلکه بحث در اجراء و پیاده کردن آنها و در شیوه اجراء آنها است به طور طبیعی تئوری کامل و دقیق خودش به تنهایی نمی تواند نیازهای جامعه را برطرف ساخته و مشکل افراد را از بین ببرد. این مجریان هستند که با اجراء کامل و دقیق ضوابط و مقررات می توانند در میدان عمل نشان دهند که این تئوری توان و قدرت حل مشکلات را دارد یا نه؟ و اگر نمی تواند مشکلات جامعه را برطرف نماید گیر اصلی در کجا است و اگر

اجرائی دارد و برخورد عملی و فیزیکی می‌خواهد طبعاً با فرض تحقق نظام مشروع و قانونی مردم کارهای اجرایی و برخوردهای فیزیکی این دو فریضه الهی را از کانال ارگانها و دستگاههای ذی ربط باید انجام دهند.

از مجموع اصول و پیامهایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است و در صفحات گذشته عیناً آورده شد و پیامهایی که حضرت امام (س) در موارد مختلف به مناسبتهای گوناگون در اختیاراتت اسلام گذاشته اند مطالب و موضوعات زیر به دست می‌آید:

الف: دستگاه قضائی در نظام اسلامی به عنوان امین‌ترین و مطمئن‌ترین دستگاه نظام اسلامی مسئولیت دارد با کمال قدرت و صلابت و قاطعیت عدالت اجتماعی را پیاده کرده و از حقوق عامه مردم و مصالح آنان دفاع نماید و شرایط امنیت عمومی را از حیث جان و مال و حرمت اشخاص و امثال ذلك فراهم نموده و زمینه را برای زندگی مطمئن و آرام و بدون دلقه و ترس برای عاقله افراد آماده سازد قطعاً در جانی که مردم نگران اعمال حقیقت و عدالت از ناحیه دستگاه قضائی باشند و احتمال اعمال سلیقه و پرونده سازی در آن بدهند و آن اعتماد لازم را نسبت به نظام قضا نداشته باشند آن جامعه روبه زوال و سقوط و نابودی خواهد رفت.

ب: دادخواهی و باور به اینکه حق و ضابطه‌ای وجود دارد و نظام حاکم دستگاهی را مجهز ساخته است تا با کمال قدرت و توان و بی طرفی احقاق حق نموده و عدالت و داد را اجرا نماید و افراد مظلوم و ستم‌دیده بدون دغدغه به آنجا مراجعه نمایند حق مسلم همه افراد جامعه است و این حق را خدای عالم به طور یکسان بر همه عطا کرده است و هیچ قدرتی و حاکمیتی نمی‌تواند این حق را از افراد سلب نماید منتهی دستگاه قضائی باید در عمل نشان دهد قدرت و کفایت این امر مهم را داشته و می‌تواند در مقابل دادخواهی افراد با حفظ بی طرفی کامل حق را به صاحبان آن برساند و جلوی تعدیات و تجاوزها را گرفته و افراد خاطی را به کیفر برساند.

ج: دادگاه مظهر عدالت و ضابطه و قانون است و لذا مجازاتها و کیفرها باید طبق قانون و مقررات معتبر اسلامی صورت پذیرد و به همین جهت یکسانی و هماهنگی در میان محاکم یک امر مسلم و مقبول و ضروری است و جرمها و مجازاتها باید طوری پیش‌بینی شوند که کمال هماهنگی را داشته و متناسب باشند و لذا یکی از وظایف دیوان عالی کشور ایجاد وحدت رویه قضائی بوده و رفع تضاد و تهاوت از میان احکامی است که از سوی محاکم صادر میشود و به همین دلیل جرمها و مجازاتها باید تعریف و مشخصه حقوقی را داشته و قانوناً جرم شناخته شده و مجازاتی داشته باشد. قضات حق ندارند طبق تشخیص

خودشان چیزی را جرم بدانند و روی تشخیص خودشان مجازات تعیین نمایند. و همه آنها باید از آئین دادرسی واحد پیروی کرده و بلا استثناء در تمام محاکم آن به مرحله اجراء درآورند زیرا که اگر جانی از آن آئین دادرسی عام و جامع تبعیت ننماید و برای خود شیوه خاصی را برگزیند و آئین دادرسی ویژه‌ای را مورد استناد قرار دهد این ذهنیت را بوجود خواهد آورد که یکی از این دو شیوه غیر عادلانه و خلاف حق و عدالت است و امکان ندارد هر دوی اینها درست و مطابق با معیارهای اسلامی و حق و عدالت باشد.

و به تدریج موجب سلب اعتماد مردم و سوءظن به دستگاه اجرایی امر قضا و قوه قضائیه خواهد بود و لذا قانون اساس محاکم را یکپارچه و یکسان و بدون کوچکترین امتیاز و ویژگی بر همگان محل دادخواهی و تظلم معرفی کرده و آنان را موظف کرده است از حقوق عموم مردم دفاع نمایند مگر جرائم خاص نظامی که بخاطر خصوصیتی که در این جرائم وجود دارد اجازه داده شده است محاکم ویژه‌ای برای آنان تشکیل گردد اما در غیر آنان این معنی در قانون اساسی اجازه داده نشده است و همه مردم اعم از کارگزاران و مردم عادی و معمولی حتی رهبری نیز از نظر اصول قانون اساسی در محاکم عمومی بمسائل آنان رسیدگی میشود.

د: هتک حیثیت افراد و اشخاص ممنوع بوده و دستگاه قضائی موظف است این معنا را مورد توجه قرار داده و علاوه بر اینکه از حرمت افراد حمایت جدی نماید اگر با بعضی از ناشی‌گریها و ندانم کاریها، افرادی در اثر جو سازیها و مصاحبه‌ها و بازداشتها و امثال ذلك مورد هتک حرمت قرار گیرند دستگاه قضائی ملزم و موظف است قانوناً از حیثیت آنان دفاع کرده و از هر طریق ممکن در اعاده حیثیت آنان بکوشد و آن را جبران نماید.

ه: افرادی که مورد تعقیب قرار می‌گیرند و بازداشت می‌شوند مادامی که قانوناً محکوم نگردیده‌اند و مجرمیت آنان طبق ضابطه و قانون باثبات نرسیده است دارای احترام بوده و هیچگونه اهانت و بی‌احترامی بآنان مجاز نمی‌باشد و متخلف از این اصول خودش مجرم بوده و باید از طریق قانونی تحت پیگرد قرار گیرد و ضمناً محاکم در تمام مراحل بازجویی و بازپرسی و تشکیل پرونده و صدور حکم و اجراء آن حرمت و حیثیت افراد را کاملاً باید مراعات نمایند و از حدود الهی تعدی و تجاوز نمایند و الا خودشان متخلف محسوب می‌گردند و مستحق مجازات می‌باشند و در اعترافات حق ندارند از اعمال فشارهای روحی و روانی و شکنجه‌های بدنی استفاده کنند و اگر از روی این نوع اعمال فسادها اعترافی بدست آورند فاقد اعتبار بوده و

خیر! چنین نیست. بدون شک همه ما و پدران ما فلسفه ای در این مراسم درگ می کنیم هر چند آن را به تفصیل ندانیم و لذا از مخارج ضروری شخصی خود کم می کنیم و صرف برگزاری مراسم عاشورا مثلاً می نمایم و همچنین در طول تاریخ پدران ما به این گونه مسائل مقتد بودند. و آن فلسفه این است که مصالح اجتماعی از مصالح فردی مهم تر است و مسائل معنوی و استفاده های روحانی از استفاده های مادی مهمتر است. در رابطه با ترجیح مصالح اجتماعی بر مصالح فردی همه ملل متفقدند و لذا می بینیم که در همه جامعه ها حتی آنها که بسیار فقیرند مراسم ملی و مذهبی که نمودار وحدت جامعه و عظمت ملت است با شکوه فراوان برگزار می شود در حالی که همان افراد که آن را برگزار می کنند از ضروریات زندگی خود محروم اند. برای نمونه مراسم ملی کشورهای هند و آفریقا را ملاحظه کنید.

در اینجا یک نکته مهم و قابل توجیه است و آن اینکه بعضی از مراسم هیچ گونه ارزش اجتماعی ندارند ولی دولتها برای مصالح خود آنها را بوجود می آورند و مخارج هنگفتی از پول ملت را به مصرف آن می رسانند. مانند مراسم بسیار پرخرج و بی فایده ای که برای ورزشهای المپیک و مجموعه های محدودتر آن بر پا می شود. ملاحظه می کنید که در کشورهای پیشرفته چه مسابقه ای برای بیشتر خرج کردن و شادی کردن در این زمینه ها می شود. در مراسم ورزشی... که اخیراً در پاریس برگزار شد آنقدر مخارج هنگفت بود که مفسرین رادیوهای جهانی به آن اعتراض کردند. جالب این است که کشور ما هم برای اینکه مبادا از قافله تمدن عقب بماند و مبادا در جهان بعنوان یک کشور عقب مانده و غیر مترقی قلمداد شود و خلاصه برای حفظ پرستیژ خیالی خود همین گونه مخارج عجیب و غریب برای برگزاری مراسم ورزشی و دعوت ورزشکاران خارجی در مناسبت های ملی مانند ایام دهه فجر و امثال آن می شود که هیچگونه ارزشی از نظر اجتماعی ندارد و

پیرسشیزمان در خارج وابسته به قدرت نفوذ در ملت ها و انقلابها است و اگر احتیاجی از جهات مادی هم بخواهیم داشته باشیم باید در پائین آوردن سطح تورم و بیکاری و رونق دادن به وضعیت اقتصادی کشور باشد نه با پر زرق و برق کردن خیابان ها و ساختن آب نماها و دایر کردن کلوب های شطرنج و بکس بازی و آزاد گذاشتن فیلمها و نوارها و مونتاژ کردن ویدئو و سایر افتخارات جدید!

و اما اینکه مسائل معنوی مهمتر از مسائل مادی است امری است که برای معتقدان به خدا و جهان آخرت قابل انکار نمی باشد ولی اثر معنوی بعضی از امور روشن و واضح است مانند مراسم عاشورا و امثال آن و بعضی از امور اثر معنوی آنان ممکن است برای ما مجهول باشد مانند بعضی از اعمال حج. البته در کتابهایی که اسرار عبادات را توضیح داده اند راز معنوی بسیاری از این اعمال را ذکر نموده اند ولی منظور ما این است که حالت تعبد و تسلیم را در دلها باید زنده نگهداشت و نباید انسان در موقع عمل توجیه به مصالح و مفاسد اعمال داشته باشد حتی آنجا که مصلحت معنوی در کار است بلکه تنها توجیه باید به معبود باشد و انگیزه عمل باید فقط تسلیم می چون و چرا در برابر خواسته او باشد. اصولاً راز کلی عبادات همین است و نباید سراغ دلیل دیگری برای آنها رفت.

سید عارفان حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام آنگاه که در خواب مأمور ذبح فرزند شد بدون تردید و با حالت تسلیم کامل خود و فرزند را روانه قربانگاه شد و خداوند این را امتحان بزرگ نامید. امتحانی که کمتر انسانی به آن مرحله می رسد. واضح است که انسان تا امتحانهای پائین تر را پاسخ نگوید به کلاس امتحان بالا تروارد نخواهد شد. بهر حال بزرگترین مصلحت و نتیجه ای که برای انسان عاید می شود رضای الهی و تقرب به درگاه او است و آن هم راهی بجز تسلیم در برابر فرمان او بدون توجه به مصالح دیگر ندارد.

بقیه از اهمیت فضا در اسلام

وجه قانونی ندارد و البته مخفی نماند عوض کردن اسم و تبدیل شکنجه به اسم و نامهای دیگر موضوع را تغییر نداده و موجب عوض شدن حکم نمیگردد مگر در مواردیکه تعزیر طبق ضوابط و معیارهای قانونی و با حکم حاکم شرع مطلع و عادل صورت پذیرد در غیر این صورت ممنوع میباشد.

و جرائم مطبوعاتی و سیاسی از آن جهت که با افکار و اندیشه های جامعه ارتباط دارد و افراد صاحب نظر درباره آنها تحلیل ها و برداشتهای گوناگون دارند و مطبوعات و حرکت های سیاسی با رشد و تعالی فرهنگی جامعه ارتباط تنگاتنگ داشته و یکی از قوی ترین ابزار

هدایت جامعه است قطعاً نمی توان بررسی این نوع مسایل را در ردیف مسایل دیگر جامعه که دارای این اندازه نقش نمیباشند قرار داد لذا علاوه بر اینکه رسیدگی باین نوع مسایل علنی باید باشد و در این جهت مانند دیگر جرایم است که باید طبق معمول علنی باشد محاکم باید محاکمه را در حضور هیأت منصفه انجام داده و در معرض قضاوت و دید آنان قرار دهد تا مبادا با قضاوتهای پشت پرده و خاص بتدریج مردم، آزادی و شجاعت و شهامت اظهار نظر را از دست داده و از صحنه خارج گردند و فرهنگ بی تفاوتی و ارباب و تملق و چاپلوسی جایگزین فرهنگ آزادگی و شهامت اظهار نظر و قدرت بر خورد و حریت انسانی گردد.

ادامه دارد